



## حدیث غدیر

تسمیه و محل **غدیر خم**، غدیر گودال آب است که بعد از گذشتن سیل بر جای می‌ماند و به زودی خشک می‌شود. فعلیل به معنی مفعول است یعنی بر جای مانده (مغذور) یا فعلیل به معنی فاعل است یعنی خیانت کننده (عادر و غدار) چون در وقت حاجت خشک می‌شود و به تشنگان خیانت می‌کند.

### فهرست مندرجات

- ۱ - موقعیت جغرافیایی غدیر خم
- ۲ - اهمیت غدیر خم
- ۳ - خطبه غدیر
- ۲.۱ - قصیده حسان بن ثابت
- ۴ - دلایل اهمیت حدیث
- ۴.۱ - تواتر حدیث غدیر
- ۴.۲ - بزرگترین مستند شیعه
- ۴.۳ - شهادت دو آیه سوره مائده
- ۴.۴ - برتری اسناد حدیث غدیر
- ۴.۵ - حدیث غدیر در کتب متعدد
- ۵ - بشارت درباره حضرت مهدی
- ۶ - عید غدیر خم
- ۷ - ادبیات غدیر و غدیریها
- ۸ - ایرادات بر حدیث غدیر و پاسخ آن
- ۸.۱ - ایراد اول
- ۸.۱.۱ - پاسخ ایراد مذکور
- ۸.۲ - ایراد دوم
- ۸.۳ - ایراد سوم
- ۸.۴ - ایراد چهارم
- ۸.۵ - ایراد پنجم
- ۸.۶ - ایراد ششم
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منابع

### موقعیت جغرافیایی غدیر خم

غدیر خم نام واحه‌بی در سه میلی جحفه است که قبایل خزاعه و کنانه در زمان جاهلیت در آن جا منزل می‌کردند. خم به معنی بدبوست. گویند هوای غدیر خم آن قدر ناسازگار است که هیچ کودکی در آن تا سن **بلوغ** زنده نمی‌ماند مگر آن که به جای دیگر برود. جحفه بر وزن غرفه آبادی است در اراضی ساحلی **حجاز** در جنوب شرقی رایغ بین **مکه** و **مدینه** (بین خلیص و بدر) که به بدی آب و هوا شهرت دارد. این محل، میقات حاجیان **شام** و **مصر** و **عراق** بود که از راه **دریا** به حجاز می‌رسیدند. ولی امروز متروک است و حاجیان در منزل رایغ **احرام** می‌بندند. [۱] [۲] [۳] [۴] [۵] [۶]

### اهمیت غدیر خم

اهمیت غدیر برای شیعیان بدان سبب است که **رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** در آنجا **امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)** را به ولایت و خلافت منصوب نمود. از این رو آنان دوری راه و بدی آب و هوا را تحمل می‌کنند و حتی المقذور خود را به جحفه و غدیر خم رسانده در آن جا احرام می‌بندند. اخیرا هم مسجدی در آن جا ساخته‌اند (خاطرات سفارت و سرپرستی حج، از نویسنده). حدیث غدیر که قوی‌ترین نص و معتبرترین سند ولایت و خلافت علی (علیه‌السلام) است بدین شرح است: رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در اواخر سال دهم هجری که دوران غزوات سپری شده و اکثر قبایل عرب به اسلام گرائیده بودند عازم حج گردید. این تنها حج او بعد از هجرت به مدینه بود. فریضه حج در سال نهم هجری واجب گردید. از این رو آن را حجة الاسلام و حجة الوداع نامیدند. به علاوه چون به حکم **وحی الهی** ولایت علی (علیه‌السلام) را ابلاغ و در نتیجه دین را کامل و نعمت را تمام فرمود آن را حجة الوداع و حجة الکمال و حجة التمام گفتند. در این سفر زوجات و **اهل بیت** پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و وجوه مهاجرین و انصار و تعداد بسیاری از اهالی مدینه و حومه آن همراه بودند. رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مدینه به جامه احرام در آمد و روز پنجشنبه پنج روز مانده از **ذی قعدة** بعد از **نماز ظهر** از شهر بیرون آمد و به ذوالحلیفه بیرون مدینه منتقل گردید. چون امر شده بود که هر کس بتواند باید که در این سفر همراه باشد با آن که بیماری حصبه (یا آبله) در منطقه مدینه شیوع داشت و عده‌ای بیمار بودند لافلا ۹۰ هزار یا ۱۱۴ یا ۱۲۴ هزار نفر به معیت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) عزیمت کردند. تعدادی هم بین مدینه و مکه ضمیمه شدند مانند عشایر سر راه و آنان که همراه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و **ابوموسی اشعری** از **یمن** باز می‌گشتند. سفر به مکه ده روز و به قولی هشت روز طول کشید و رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بعد از عبور از منازل یلملم، سیاله، عرق الظبیه، روحاء، منصرف، متعشی، انابه، عرج، سقیاء، ابواء، جحفه، قدید، غمیم، مر الظهران و سرف روز یکشنبه چهارم یا سه شنبه ششم **ذیحجه** وارد مکه گردید و **مناسک حج** را به شرحی که در کتب سیره مسطور است به جای آورد. [۷] [۸] [۹] [۱۰] [۱۱] [۱۲]

### خطبه غدیر

در راه بازگشت به مدینه (روز ۱۸ ذیحجه سال دهم هجرت) وقتی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به منزل غدیر خم رسید **فرشته** خدای بر او نازل گشت و این آیه را در شان امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) ابلاغ نمود: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس.. [۱۳] یعنی: ای پیامبر فرستاده، برسان آن چه فرو فرستاده شده است به تو از خدای تو اگر نرسانی چنان است که هیچ یک از پیغام‌های خدا را نرسانیده باشی. خدا ترا از مردمان نگاه می‌دارد... برای اجرای امر الهی **رسول خدا** دستور داد حاجبانی را که از پیش رفته بودند و آنان که هنوز حرکت نکرده بودند توقف کنند سپس فرمود در محل غدیر خم، محوطه‌ای را که پنج درخت سمره (خارین) در اطراف آن بود از خس و خاشاک ستردند و روی درخت‌ها سایبان گسترده کردند. روز پنجشنبه هجدهم ذی حجه رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، نماز ظهر را پیشاپیش **مسلمانان** در آن محل بگزارد. آفتاب به قدری سوزنده بود که مردم قسمتی از ردای خود را زیر پا می‌افکندند و قسمتی را روی سر می‌کشیدند. بعد از **نماز** بر منبری از چهار شتران که در وسط جمعیت آماده شده بود بالا رفت و خطبه مسبوطی در شرح وظائف مسلمانان و مناقب اهل بیت ایراد نمود متن کامل این خطبه را سپهر در ناسخ التواریخ [۱۴] نقل کرده است. در پایان خطبه، رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دو بازوی **علی** را گرفته برافراشت به طوری که زیر بغل هر دو پیدا شد. آن گاه فرمود: ایها الناس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم؟ ای مردم چه کسی از جان مردمان به ایشان از خودشان (نزدیکتر) و سزاوارتر است؟ همه گفتند: خدای و رسول او بهتر می‌دانند. پیغمبر فرمود: ان الله مولای و انا مولی المؤمنین و انا اولی بهم من انفسهم، فمن کنت مولاه فعلی مولاه (بقولها ثلاث مرات و فی لفظ احمد اربع مرات) ثم قال: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و اخذل من خذله و ادر الحق معه حیث دار. الا فیلع الشاهد الغایب» یعنی خدای مولی و سرور من است و من مولی و سرور مؤمنانم و بر مؤمنان از جانیشان به ایشان سزاوارترم. هر که را من مولی و سرورم پس علی نیز مولی و سرور او است (این سخن را سه بار و به قول امام **احمد بن حنبل** چهار بار مکرر فرمود) سپس گفت: خدایا طرفدار کسی باش که طرفدار علی باشد و خصم آن باش که با او بستیزد. دوست بدار هر که او را دوست دارد. و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد و یاری کن هر که او را یاری کند و خوار بدار هر که او را خوار بدارد و بگردان حق را با او هر جا که او می‌گردد به هوش باشید باید هر کس در اینجا حاضر است این سخن را به غایبان برساند. [۱۵] [۱۶]

[۱۷] [۱۸] به محض این که خطبه و ابلاغ رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به پایان رسید هنوز مردم متفرق نشده بودند که این آیه نازل گشت: «... البیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا...» [۱۹] یعنی: امروز دین شما را برای شما به کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و از این که **اسلام** دین شما است خشنود گشتم. [۲۰] پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پس از دریافت این **وحی** فرمود: «الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضی الرب برسانی و الولاية لعلی بعدی» از همه بزرگتر است آن خدایی که دین را کامل و نعمت را تمام فرمود و از رسالت من و ولایت علی بعد از من خشنود است. سپس سرافرنده ویژه‌ای برافراشتند و به امر رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مردان و زنان، از جمله زنان پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در محضر او با علی **بیعت** کردند. بعد از این مراسم به دست خود عمامه‌ای بر سر علی نهاد و دنباله آن را پشت سرش مرتب کرد. این تکریم را که در موارد استثنائی و هنگام انتصاب به امارت انجام می‌شد «تنویح» یا تاجگذاری می‌گفتند. بعد از این مراسم، بزرگان **صحابه** به تهنیت علی پیش آمدند. مقدم بر همه **ابوبکر** و عمر بودند که گفتند: «هنئنا لک (به قولی بخ بخ لک) یا ابن ابی طالب، اصحبت مولی کل مؤمن و مومنة» گوارا باد ترا ای پسر ابوطالب. به به از این نعمت صبح می‌کنی و شام می‌کنی در حالی که مولای همه مردان و زنان با **ایمان** شده‌ای. **ابن عباس** گفت: به خدا سوگند که اکنون پیمان تو بر گردن همه واجب گردید.

## ← قصیده حسان بن ثابت

**حسان بن ثابت** شاعر خاص رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز قصیده‌ای در تهنیت مراسم غدیر از جایگاهی رفیع با صدای بلند انشاء نمود که مورد تحسین و استقبال آن حضرت واقع شد. شش بیت ذیل از آن قصیده است:

ینادیهوم یوم الغدیر نبیهم  
 یخم و اسمع بالنبی منادیا  
 فقال: «فمن مولاکم و نبیکم»  
 فقلوا: و لم یدوا هناک تعامیا  
 «الھک مولانا و انت نبینا  
 و لم تلق منا فی الولاية عاصیا  
 فقال له: «قم یا علی فانی  
 رضیتک من بعدی اماما و هادیا  
 فمن کنت مولاه فهذا ولیه  
 فکونوا له اتباع صدق موالیا»  
 هناک دعا: اللهم وال ولیه  
 و کن للذی عادى علیا معادیا  
**پیامبر** مسلمانان روز غدیر با صدای بلند ایشان را مخاطب ساخت  
 نداد پیغمبر را باید با گوش جان شنید  
 پس گفت: مولی و پیامبر شما کیست؟  
 آنان گفتند و ایهامی در سخن ظاهر نمودند:  
 خدای تو مولای ماست و تو پیامبر مایی  
 و هیچ یک از ما را در **ولایت** خود نافرمان نخواهی دید  
 پس بدو گفت: برخیزای علی که من  
 بعد از خود ترا به راهنمایی و امامت پسندیدم (برگزیدم)  
 هر که را من مولی و سرورم این علی نیز ولی او است  
 باید که همه پیرو راستین و دوستدار او باشید  
 در آن جا **دعا** کرد و گفت: خدایا طرفدار یاران علی باش  
 و هر کس با علی دشمنی کند تو دشمن او باش. [۲۱] [۲۲] [۲۳] [۲۴] [۲۵] [۲۶] [۲۷] [۲۸] [۲۹]

## دلایل اهمیت حدیث

بعضی دلایل اهمیت حدیث غدیر به شرح ذیل است:

### ← تواتر حدیث غدیر

هیچ یک از احادیث نبوی در صحت و **تواتر** به پایه حدیث غدیر نمی‌رسد. سخنان رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و **بیعت** مسلمانان با علی در بزرگترین اجتماع اسلامی که تا آن روز نظیر نداشت و در محضر بزرگان صحابه برگزار گردید. **امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)** در دوران خلافت واقعه غدیر را مکررا در محاجه با مخالفان و یاغیان در محضر مسلمانان یادآوری کرد و هر بار جمعی از صحابه که در **غدیر** حضور داشتند برخاستند و شهادت دادند. [۳۰] [۳۱] [۳۲] [۳۳]

### ← بزرگترین مستند شیعه

حدیث غدیر بزرگترین حجت و مستند شیعه **امامیه** بر ولایت مطلقه علی (علیه‌السلام) است. به استناد همین حدیث است که خلافت را موهبتی الهی می‌دانند نه مقامی که مردم انتخاب کنند.

### ← شهادت دو آیه سوره مائده

به شهادت دو آیه **سوره مائده** که گذشت تشکیل کنگره اسلامی غدیر بزرگترین و مهمترین و حساس‌ترین قسمت از وظائف رسالت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود. به دستور او همه مسلمانان که توانایی سفر داشتند در حجة الوداع همراه شده بودند و معلوم بود برنامه مهمی در پیش است که باید در آن کنگره اجرا شود. **زمان** و **مکان** آن نیز بهترین و مناسب‌ترین بود چون بعد از حج همه از حجه می‌گذشتند و با اشاراتی که پیغمبر فرموده بود برای بیشتر آنان آخرین فرصتی بود که سعادت دیدار رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دست می‌داد. نزول وحی در آن محل و **وصیت** رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آخر خطبه که باید این پیام را حاضران به غایبان و نسل‌ها به یکدیگر ابلاغ نمایند همه شاهد اهمیت فوق العاده حدیث غدیر است.

## ← برتری اسناد حدیث غدیر

اسناد حدیث غدیر نیز بر سایر احادیث نبوی برتری و امتیاز دارد. بیش از صد و ده تن از اصحاب پیغمبر و هشتاد و چهار تن از تابعین و سیصد و شصت تن از ثقات محدثین آن را روایت کرده‌اند. راویان مشهور غدیر از صحابه: امیرالمؤمنین علی، **فاطمه زهرا**، **حسن بن علی**، **حسین بن علی**، **عباس بن عبدالمطلب**، **عبدالله بن عباس**، **عائشه** و **ام سلمه** همسران پیغمبر، **اسماء بنت عمیس** همسر ابوبکر و **سپس علی**، **ابوبکر**، **عمر**، **عثمان**، **طلحه**، **زبیر**، **سعد بن ابی وقاص**، **عبدالرحمن بن عوف** (عشره مبشره) **ابوهریره**، **اسامة بن زید**، **ابی بن کعب**، **جابر بن عبدالله**، **ابودر غفاری**، **سلمان فارسی**، **خالد بن ولید**، **عمار بن یاسر** و **عمر بن العاص**... بودند. نام تمامی ایشان و نام تابعین و راویانی که حدیث غدیر را روایت کرده‌اند با ترجمه احوال و روایات ایشان در دو مجلد کتاب **عقبات الانوار**، تالیف محققانه میر حامد حسین لکنهویی نیشابوری در ۱۰۰۸ صفحه همراه با صد و پنجاه تن از محدثین و علمای مشهور که این حدیث را روایت کرده‌اند مسطور است. منهج اول و منهج دوم این اثر بی نظیر و مجلدات دوازده گانه منهج دوم که در شرح حدیث غدیر و یازده حدیث متواتر دیگر **شیعه** تالیف شده است اثر بی‌نظیری است که اهمیت حدیث غدیر را نشان می‌دهد. [۳۳]

## ← حدیث غدیر در کتب متعدد

علاوه بر علمای شیعی که از عهد **شیخ صدوق** و **شیخ مفید** و **شیخ طوسی** گرفته تا زمان حاضر کتب بسیار در اثبات صحت و تواتر سند و وضوح دلالت آن بر ولایت و خلافت علی تالیف کرده‌اند بسیاری از علمای اهل سنت نیز کتب و رسالات ویژه‌ای به مساله ولایت و حدیث غدیر اختصاص داده‌اند که امینی در **الغدیر** از بیست و شش تن ایشان نام برده است. [۳۵] [۳۶] مشهورترین ایشان عبارتند از: ابوجعفر محمد بن جریر بن زبید طبری (م ۲۱۰ ق) مفسر و مورخ مشهور که کتاب **الولایه فی طریق حدیث الغدیر** را در دو مجلد تالیف و طرق و الفاظ این حدیث را جمع آورده است. [۳۷] [۳۸] **ابن عقده** احمد بن سعید همدانی (م ۲۳۲ ق) کتاب **الولایه فی طریق حدیث الغدیر** را تالیف و حدیث غدیر را از صد و پنج طریق روایت کرده است. **ابن اثیر** در **الاصابه فی تمییز الصحابه** و **ابن حجر عسقلانی** در **تهذیب التهذیب** از آن بسیار نقل کرده‌اند. در تهذیب التهذیب [۳۹] آمده است که ابن عقده حدیث غدیر را از هفتاد صحابی روایت کرده و آن را صحیح می‌داند. ابوبکر جفانی (م ۲۵۵ ق) کتاب من روی حدیث غدیر خم را تالیف کرده است. [۴۰] وی حدیث غدیر را از ۱۲۵ طریق روایت کرده است. ابوطالب عیبدالله بن احمد انباری واسطی (م ۲۵۶ ق) کتاب طریق حدیث الغدیر را تالیف کرده است. [۴۱] [۴۲] ابوالفضل محمد بن عبدالله شیبانی (م ۲۷۲ ق) کتاب من روی حدیث غدیر خم را تالیف کرده است. [۴۳] حافظ گنجی در کتاب **کفایة الطالب** [۴۴] آورده است که علی بن عمر دارقطنی بغدادی (م ۲۸۵ ق) حدیث غدیر را در جزوه‌ای جمع آورده است. به روایت شیخ سلیمان حنفی در کتاب **ینابیع المودة**، امام الحرمین ابوالمعالی جوینی استاد غزالی گفته است: در بغداد بیست و هشتمین جلد کتابی را در دست صحافی دیدم که **روایات حدیث غدیر** را در لفظ من کنت مولاة فعلی مولاة جمع آورده و در انتهای آن نوشته شده بود: بقیه در جزء بیست و نهم خواهد آمد. علوی الهدار الحداد در کتاب **القول الفصل** [۴۵] [۴۶] آورده است که حافظ ابوالعلاء عطار همدانی گفت: حدیث غدیر را به دویست و پنجاه طریق روایت می‌کنم.

## بشارت درباره حضرت مهدی

یکی از احادیث بشارت دهنده در مورد **حضرت مهدی (علیه‌السلام)**، حدیث غدیر می‌باشد. یکی از روایت‌های بشارت دهنده به **حضرت مهدی (علیه‌السلام)** بشارت **پیامبر اسلام** در **غدیر خم** می‌باشد که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در واپسین ماه‌های عمر خود، در محل غدیر خم، ضمن پافشاری بر **امامت** نخستین پیشوای مسلمانان، دربارهٔ آخرین پیشوا چنین فرمود: ... ای مردمان! همانا به درستی که من پیامبرم و **علی** جانشین من است. آگاه باشید! ختم کنندهٔ پیشوایان از ما است. او قائم مهدی است. آگاه باشید! همو است که دین را برتری خواهد بخشید و انتقام گیرنده از ستمگران است. [۴۷]

## عید غدیر خم

تعظیم روز غدیر و برگزاری مراسم عید در آن از دیر باز شعار تشیع است. به علاوه چون به موجب بعضی احادیث [۴۸] روز غدیر مصادف با نوروز بوده شیعیان **افغانستان** و **هند** و **پاکستان** روز اول فروردین را به احترام روز غدیر عید می‌گیرند (یادداشت‌های ماموریت نویسنده در هند و پاکستان) در مصر خلفای فاطمی عید غدیر را رسمیت دادند، در **ایران** نیز از سال ۹۰۷ ق که **شاه اسماعیل صفوی** به سلطنت رسید و مذهب تشیع را رسمیت و رواج داد تا امروز عید غدیر از اعیاد رسمی کشوری است. در نجف هر سال در این روز مراسم باشکوهی در صحن علوی منعقد می‌شود و رجال و علمای شیعه و سفرای بلاد اسلامی در آن حضور یافته خطابه‌ها و قصاید غدیریه القاء می‌شود (یادداشت‌های ماموریت نویسنده در **عراق**) در احساء و قطیف که موطن شیعیان اثنی عشری است و در یمن که شیعیان زیدی به سر می‌برند نیز روز غدیر با جشن و چراغانی برگزار می‌شود و در مجامع مذهبی حدیث غدیر روایت می‌گردد.

## ادبیات غدیر و غدیریه‌ها

واقعۀ غدیر خم علاوه بر آن که سرفصل کتب **تفسیر** و حدیث و **کلام** و **فقه** و **تاریخ شیعه** است در ادبیات و هنر و عادات و آداب اجتماعی و سنن ملی شیعه نیز تأثیر سازنده داشته است و مخصوصاً در **شعر** عربی و بعد فارسی جای ممتازی دارد. علاوه بر **حسان بن ثابت** که نخستین شاعر غدیریه سرا بود سایر صحابه مانند امیرالمؤمنین **علی (علیه‌السلام)**، عمرو بن العاص و قیس بن سعد بن عبادۀ این حدیث را در اشعار خود جاویدان ساختند. بعد از ایشان **فحول شعرا** عرب مانند **کمیت بن زید اسدی**، **سید اسماعیل حمیری**، **ابوتمام**، **دعبل خزاعی**، **شرف رضی**، **شرف مرتضی**، **مهیار دیلمی**، **صاحب بن عباد**، **ابوفراس**، **حسین بن حجاج**، **کشاجم**، **ابن منیر طرابلسی**، و **صفی الدین حلی** ... غدیریه‌های پرمغز و عالی سرودند و این هنر را در ادب عرب و بین شیعیان رایج ساختند. نمونه اشعار ایشان در کتاب **اعیان الشیعة** و **الغدیر** به چاپ رسیده است. شرح احوال شاعران شیعی عرب در کتاب **اخبار شعراء الشیعة** تالیف ابوعبدالله مرزبانی و ادب اللف تالیف سید جواد شیر و سایر تراجم شعراء و تواریخ ادب عرب مسطور است. در **زبان فارسی** قدیمی‌ترین **غدیریه** از منوچهری دامغانی (م ۴۲۲ ق) در دست است. از آن پس شاعران شیعی در ایران و سایر بلاد آسیا به غدیریه سازی پرداختند و از عهد **صفویه** رسم شد که در مجالس رسمی عید غدیر فصائد غدیریه خوانده شود. از مشاهیر شاعران پارسی غدیر باید از ناصر خسرو قبادبانی، سنائی غزنوی، ابن یمن فریومدی، وحشی بافقی، قانلی شیرازی، شمس الشعراء سروش، ملک الشعراء صبوری، غالب دهلوی، ادیب الممالک فراهانی، شیخ الرئیس حیرت و **ملک الشعراء بهار** ... نام برد. [۴۹] به علاوه مثنوی‌ها و حماسه‌های بسیار در اطراف حدیث غدیر سروده شده و موضوع را از جنبه‌های مختلف مورد بحث قرار داده‌اند. مشهورترین مثنوی‌های عرفانی که به نام ولایت نامه معروف است، اثر طبع هاشم ذهبی، محمد هاشم درویش زنجانی، صدر کاشف دزفولی، ضمیر حلوابی، عبدالواحد ناظم، فارغ گیلانی، آخوند ملا سلطان علی گنابادی و سلیم تونی است. [۵۰]

## ایرادات بر حدیث غدیر و پاسخ آن

ایرادات بر حدیث غدیر و پاسخ آنها، غالب علمای **اهل سنت** مانند شیعیان در صحت حدیث غدیر تردید نمی‌کنند. نام چهل تن از ایشان را امینی در **الغدیر** [۵۱]

با اقوال و ترجمه احوالشان ثبت کرده است. ولی به دلایلی که در کتب خود آورده و بیشتر آنها تقلیدی است این حدیث را برای اثبات ولایت مطلقه و خلافت بلافصل کافی نمی‌دانند برای روشن شدن موارد اختلاف توضیحات ذیل نوشته می‌شود:

## ← ایراد اول

از قرن پنجم هجری که تعصبات وصف آرائی‌های مذهبی شدت یافت بعضی مانند **ابن حزم اندلسی** (م ۴۲۸ ق) و بعد از او **ابن تیمیه** (م ۶۲۲ ق) به دلیل آنکه حدیث غدیر در صحیح بخاری و صحیح مسلم مذکور نیست و از طرق اهل سنت روایت نشده و جز در مسند ابن حنبل در سایر صحاح نیامده است آن را ضعیف شمردند. ملا سعد تفتازانی و قاضی عضد ایچی و ملا علی قوشچی و میر سید شریف جرجانی و نظایر ایشان نیز همین سخنان را تکرار و برای نظر خود شاهد آوردند که ابوداود و ابوحاتم سجستانی نیز صحت این حدیث را مورد طعن قرار داده‌اند.

## ← پاسخ ایراد مذکور

شیعیان در پاسخ ایشان می‌گویند: اولاً احادیث صحیح به مندرجات دو کتاب بخاری و مسلم منحصر نیست. به همین سبب **حاکم نیشابوری** (م ۴۰۵ ق) کتاب **المستدرک علی الصحیحین** را نوشته بود تا احادیث صحیح از قلم افتاده را در آن جمع کند و حدیث غدیر از آن جمله است؛ ثانیاً حدیث غدیر در صحیح ترمذی و سنن ابن ماجه و سنن دارقطنی و مسند ابن حنبل که هر چهار از اصول موفق اهل سنت به شمار می‌رود مسطور است؛ [۵۳] ثالثاً در طرق حدیث غدیر سی تن از مشایخ بخاری و مسلم [۵۳] مذکورند که اگر در اعتبار ایشان شکمی باشد اعتبار احادیث بخاری و مسلم نیز زیر سؤال می‌رود؛ رابعاً حدیث غدیر را صد و ده تن از صحابه و هشتاد و چهار تن از تابعین و سید و ده محدث روایت کرده‌اند. چنین حدیث متواتری را ضعیف چگونه توان گفت؛ خامساً حدیث من کنت مولاة فعلی مولاة که در حدیث غدیر آمده در سایر احادیث صحیح نیز آمده است. مانند حدیث بریده بن الحصیب و حدیث اعمش و حدیث ابن عباس. [۵۴] [۵۵]

## ← ایراد دوم

در دلالت حدیث غدیر بر ولایت و امارت علی بر همه مؤمنان و امامت و خلافت او همه علمای شیعی اتفاق نظر و اجماع دارند. شواهد بسیاری از کلام فحول شعراء و لغویین عرب که قولشان در عربیت حجت است ثابت می‌کند که مولی به معنی «اولی به نفس» و ولی واجب الاطاعة است و چنانکه گذشت **ابوبکر** و عمر علی را «مولی کل مؤمن و مؤمنه» خواندند که معلوم است به معنی ولی واجب الاطاعة است.

## ← ایراد سوم

در فرهنگ‌های عربی مولی به بیست و هفت معنی آمده است: پروردگار، انعام دهنده، انعام داده شده، آزاد کننده، آزاد شده، پسر، عمو، پسر عمو، خواهرزاده، شریک، بنده، مالک بنده، هم سوگند، یار، تابع، همسایه، مهمان، ولی، ناصر، داماد، عهده دار امر، سزاوارتر، خویشاوند، آقا، متولی، فقید و دوستدار. علمای اهل سنت به دلایلی که در کتب حدیث و کلام ذکر کرده‌اند مولی را در حدیث غدیر دوستدار و یاور معنی می‌کنند. **مولانا جلال الدین رومی** حدیث غدیر را در مثنوی معنوی چنین ترجمه کرده است:  
زین سبب پیغمبر با اجتهاد  
نام خود وان علی مولی نهاد  
گفت هر کس را منم مولی و دوست  
ابن عم من علی مولای اوست  
و می‌گویند مولی به معنی اولی یا ولی نیست چون وزن مفعول در زبان عرب به معنی افعول یا فعلیل نیامده است. بنابراین به این حدیث بر **ولایت مطلقه** و خلافت علی نمی‌شود استناد کرد. شیعیان این استدلال را نادرست می‌دانند و شواهد بسیار اقامه می‌کنند که مفعول به معنی افعول و فعلیل هر دو آمده است. [۶۰] [۶۱] به علاوه باری کردن و دوست داشتن پیغمبر به حکم **قرآن** بر هر **مسلمان** واجب است. توصیه باری کردن و محبت علی هم مساله چنان مهمی نبود که به خاطر آن کنگره اسلامی تشکیل شود این امر در ده‌ها حدیث دیگر ابلاغ شده بود و تشریفات و بیعت کردن و تاج پوشی لازم نداشت.

## ← ایراد چهارم

**احمد بن حنبل** و سایر ائمه حدیث آورده‌اند که چند تن از انصار از جمله ابو ایوب انصاری در رحبه (کوفه) نزد علی آمدند و هنگام سخن گفتن او را مولی خطاب کردند. علی فرمود چرا به من مولی می‌گویید شما عربید و من مولای شما چگونه توانم بود؟ گفتند: ما در روز غدیر خم حضور داشتیم و شنیدیم که رسول الله ترا مولای ما خواند از این رو بر خود لازم می‌بینیم ترا مولی خطاب کنیم. [۶۲] این حدیث دلیل است بر آنکه معنی مولی در حدیث غدیر بالاتر از دوست و یاور و به معنی ولی امر است.

## ← ایراد پنجم

بعضی علمای اهل سنت آورده‌اند که حدیث «من کنت مولاة فعلی مولاة» را رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به اسامه بن زید فرمود. او ضمن گفتگو با علی گفت: مولای من رسول الله است. تو که مرا آزاد نکرده‌ای. پیغمبر به اسامه فرمود: هر که را من آزاد کنده‌ام علی آزاد کننده اوست. بعضی هم گویند مخاطب این حدیث در روز غدیر زید بن حارثه پدر اسامه بوده است. شیعیان این قول را به هر دو احتمال باطل می‌دانند زیرا اسامه بن زید آزاد کرده پیغمبر نبود بلکه پدرش را رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آزاد کرده بود و او آزاد به دنیا آمد. در مورد زید بن حارثه نیز این سخن صادق نیست چون او در **جمادی الاولی** سال هفتم در **جنگ موته** شهید شده بود و طبعاً نمی‌توانست در روز غدیر حضور داشته باشد. **مامون عباسی** با همین استدلال چهل تن از محدثین اهل سنت را مجاب نمود. [۶۳]

## ← ایراد ششم

**ابن کثیر شامی** در تاریخ دمشق (به روایت اعیان الشیعة) آورده است که اجتماع غدیر خم و حدیث غدیر در شأن علی بدان سبب بود که پس از بازگشت وی از فتح یمن چند تن از ناراضیان نسبت خشونت و عدم رعایت **عدالت** در تقسیم غنایم به او دادند، آن حضرت برای اثبات برائت ساخت علی و رفع شبهه، اجتماع غدیر را ترتیب داد و آن سخنان را در فضائل علی بیان نمود. علمای شیعی این قصه را نیز نامناسب و بی دلیل می‌دانند زیرا به اتفاق مورخین شکایت ناراضیان و پاسخ قاطع رسول الله در **مکه** در حضور حاجیان بود و حدیث غدیر مربوط به روز هجدهم ذیحجه بعد از خروج از مکه و بعد از مناسک حج است. با توجه به این که سبب خاصی پیش نیامد که در فاصله چند روز شاکیان تجدید شکایت کنند و لازم باشد **رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** چنان کنگره عظیمی را برای پاسخگویی ترتیب دهد.

## پانویس

۲. ↑ فیروزآبادی، مجدالدین، قلموس، ذیل «غدیر».
۳. ↑ کراع النمل، المنجد، ذیل «غدیر».
۴. ↑ تهذیب الصحاح، ذیل «غدیر».
۵. ↑ ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۱۰.
۶. ↑ حواشی سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۹.
۷. ↑ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۵۵.
۸. ↑ مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۵۱۰.
۹. ↑ امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۹.
۱۰. ↑ ابن هشام، سیره، ج ۲، ص ۶۰۱.
۱۱. ↑ حلبی، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۲۸۲.
۱۲. ↑ جزایری، درر الفوائد، ص ۷۲.
۱۳. ↑ مائده/سوره ۵، آیه ۶۷.
۱۴. ↑ سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۴۹۵.
۱۵. ↑ فیروزآبادی، فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۳۸۸.
۱۶. ↑ مبدی، تفسیر کشف الاسرار، ج ۳، ص ۱۸۱.
۱۷. ↑ هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۵۶.
۱۸. ↑ تعالی، نمار القلوب، ص ۶۳۷.
۱۹. ↑ واحدی، علی، اسباب النزول، ص ۱۹۰.
۲۰. ↑ مائده/سوره ۵، آیه ۳.
۲۱. ↑ مناوی، فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۱۷.
۲۲. ↑ متقی هندی، علی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۹.
۲۳. ↑ طبری، محب الدین، الریاض النضرة، ج ۳، ص ۱۲۶.
۲۴. ↑ طبری، محب الدین، الریاض النضرة، ج ۲، ص ۱۲۷.
۲۵. ↑ احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۲۸۱.
۲۶. ↑ طبری، ذخائر العقبی، ص ۶۸.
۲۷. ↑ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۳۹.
۲۸. ↑ امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۵.
۲۹. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۴۳.
۳۰. ↑ حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۱۸.
۳۱. ↑ احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۱۸۷.
۳۲. ↑ نسائی، خصائص علی، ص ۹۳.
۳۳. ↑ ابن کثیر شامی، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۲۹.
۳۴. ↑ تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۱۴.
۳۵. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۱۴.
۳۶. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۲.
۳۷. ↑ ابن کثیر شامی، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۲۹.
۳۸. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۲.
۳۹. ↑ عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۳۷.
۴۰. ↑ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۲۲۹.
۴۱. ↑ نجاشی، رجال نجاشی، ص ۲۲۲.
۴۲. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۴.
۴۳. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۴.
۴۴. ↑ گنجی، حافظ، کفایه الطالب، ص ۱۵.
۴۵. ↑ علوی، القول الفصل، ج ۱، ص ۴۴۵.
۴۶. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۸.
۴۷. ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۳.
۴۸. ↑ مجلسی، محمدباقر، زادالمعاد، ج ۱، ص ۲۲۶.
۴۹. ↑ یادنامه علامه امینی، ج ۱، ص ۴۱-۴۳۰، مقاله دکتر سجادی، تهران ۱۳۵۲ ش.
۵۰. ↑ تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه، ج ۳۵، ص ۱۴۵-۱۴۴.
۵۱. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۲۹۴.
۵۲. ↑ فیروزآبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسه، ص ۳۴۹.
۵۳. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۲۲۰.
۵۴. ↑ حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۱۰.
۵۵. ↑ مناوی، فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۱۸.
۵۶. ↑ احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۲۵۸.
۵۷. ↑ متقی هندی، علی، کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۲.
۵۸. ↑ طبری، محب الدین، ذخائر العقبی، ج ۱، ص ۸۶.
۵۹. ↑ هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۹.
۶۰. ↑ فیروزآبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۱۵.
۶۱. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۳۴۴.
۶۲. ↑ علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۸۷.
۶۳. ↑ امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۳.

## منابع

فرهنگ‌نامه مهدویت، سلیمان، خدامراد، ص ۱۶۲، برگرفته از مقاله «حدیث غدیر».

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «حدیث غدیر»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۵/۰۱/۲۰.

